

رئیس خانواده کیست؟

از نیمه قرن گذشته خصوصاً در سالهای اخیر روابط و اصول خانواده‌ها دچار گرگونیهای عمیقی گشته است و هنوز هم در حال تغییر و تحول است. پدربسالاری با آن شکل افراطی که در جوامع اولیه معمول بود بطوریکه زن هیچ گونه شخصیت و استقلالی در جمیع شئون زندگی، از خود نداشت و کاملاً برده و زیر دست همه جانبه مرد بشماره میرفت، بتدریج ناپدید می‌گردد.

گرچه اصل «پدربسالاری» در جامعه‌های صنعتی و غیر آن بضعف و سستی گرایده است ولی با اینهمه هنوز هم کم‌وبیش، خانواده‌ها تحت تسلط شوهر قرار دارند. مطالعه روابط خانواده‌ها در کشورهای اروپائی و امریکای جنوبی و شمالی بهترین شاهد این گفتار است.

مطالعه تاریخ روم بخوبی نشان می‌دهد که خانواده رومی بر اساس قدرت مطلق مرد اداره می‌شد بطوریکه ساموئیل کنیک، نقل می‌کند: «زن قبل از ازدواج مطیع پدرش بود و بعد از فوت پدر تحت تابعیت نزدیکترین خویشاوند ذکور قرار داشت و پس از ازدواج فرمانبردار مطلق همسرش بود» (۱)

* * *

اینک این مسأله مطرح می‌شود که رئیس خانواده کیست مرد یا زن یا غیر آنند؟ و کدام یک از زن و مرد صلاحیت احراز این مقام را دارد؟

قبل از بررسی این مسأله نمیتوان این حقیقت تلخ را نادیده گرفت که این مسأله مثل غالب رویدادهای خانوادگی، دچار افراط و تفریط شده است. در اجتماعات اولیه حتی تا قرون اخیر، مرد خود را بعلل مختلفی مثل نیر و مند بودن و یا تأمین زندگی اعضاء خانواده و غیر آن، حاکم مطلق زن و فرزندان خود بشمار می‌آورد و خواسته‌های خود را بطور مطلق تحمیل بر آنها می‌نمود و

با اعضاء خانواده مثل اسیر و برده معامله می‌کرد و حقوق مشروع و انسانی آنان را زیر پا می‌گذاشت و یا اصولاً حقوق مشروعی برای آنان قائل نبود، مطالعه صفحات تاریخ جامعه‌های مختلف، شاهد گویای آن بشمار میرود، و ما بجهت اختصار از ذکر آنها خودداری می‌کنیم.

خوشبختانه در عصر کنونی این اصل افراطی در اغلب خانواده‌ها از بین رفته، مرد دیگر حاکم مطلق بر سر نوشت همسر و فرزندان نمیباشد که بهرنحوه که بخواهد عمل کند ولی از طرف دیگر مشکل دیگری تمام خانواده‌ها را مورد تهدید قرار می‌دهد و آن زن سالاری افراطی یعنی حکومت زن بر جمیع شئون خانواده و اجتماع است.

در پیدایش این مشکل، عوامل متعددی از قبیل استقلال مالی زن و کار کردن زن در خارج از منزل و غیر آن مؤثر است چنانکه «ساموئیل کبیک» در کتاب جامعه‌شناسی می‌نویسد: «علل انحطاط و تنزل قدرت پدر در خانواده گوناگون است. تغییرات بزرگ اقتصادی و اجتماعی دست‌بدست هم داده و بقول (روبن‌هیل) بارش پدر سالاری خانوادگی سخت بمبارزه پرداخته و نوع خانواده جدیدی بوجود آورده است...».

طرفداران اصل «زن سالاری افراطی»، مسائلی مطرح می‌سازند و دانسته یا ندانسته پیشنهادهایی می‌نمایند که هرگز صلاح زن و اجتماع از نقطه نظر اصول خانوادگی و تربیت فرزندان و غیر آن، در آن نیست.

چنانکه در مقدمه گزارش لایحه قانونی تساری حقوق زن و شوهر که مدتی قبل بمجلس فرانسه برای تصویب داده شده است جمله‌های زیر چشم می‌خورد:

«در گذشته زن با قبول شوهر خود را تحت حمایت مردمی دید ولی امروز که زن دارای معلومات وسیع شده، و تجربیات زیادی بدست آورده، و از حقوق مسلم خود برخوردار شده است و می‌تواند استقلال مالی و معنوی داشته باشد دیگر نباید ازدواج را برای زن مانند گذشته وسیله حمایت شوهر از او بدانیم زیرا حقوق مساوی نتیجه مسلم و منطقی اجتماع کنونی است» (۱)

لا بد خوانندگان از خود می‌پرسند مگر حمایت مرد از زن در جهات مختلف زندگی جز خیر و سعادت و ایجاد همکاری بین زن و شوهر در مسائل مربوط بخانواده، چه ضرری برای او دارد؟ آیا این حمایت موجب نقصان شخصیت و یا حاکمیت از فقدان آن می‌کند؟ آیا داشتن معلومات وسیع برای زن و یا برخورداری از حقوق مسلم خود و یا استقلال مالی و

معنوی دلیل این می‌تواند باشد که زن از قبول حمایت مرد خودداری کند و با اصولا خود را بی‌نیاز از حمایت خود بداند ؟

آیا زنانی که باولع خاصی خواستار تصویب این قانون هستند هیچ فکر می‌کنند که برقراری تساوی زن و مرد در اداره امور خانه و خانواده (البته باین نحو از تساوی) بناچار زندگی دونفری زن و مرد را بصورت زندگی سه نفری در خواهد آورد زیرا لازم می‌آید شخص ثالثی هم بطور مؤثر در زندگی آنها دخالت مستقیم کند .

تا امروز زن و مرد اگر باهم دیگر اختلافی می‌داشتند دونفری آنرا حل می‌کردند ولی پس از تصویب قانون تساوی حقوق از جمیع جهات با احساس کوچکتزین ناراحتی و اختلاف یکنفر قاضی که همان شخص ثالث است پادرمیان می‌گذارد و بدون اطلاع و آگاهی از اسرار زندگی زن و مرد ، در آن دخالت و اظهار نظر می‌کند و بقول (سأیته) دانشمند فرانسوی پس از تصویب این قانون ، خانواده‌ها دارای يك هیأت مدیره سه نفری خواهند بود مرکب از زن و شوهر و يك قاضی مقیم در خانواده با این تفاوت که زن و شوهر دارای حقوق متساوی هستند و قاضی صاحب رأی قاطع و حاکم بر آن دو .

راهبیکه اسلام نشان می‌دهد

اسلام نه طریق پدرسالاری افراطی را اصلاح جامعه و خانواده می‌داند و نه طریق زن‌سالاری افراطی را زیرا هر دو بزبان جامعه بوده ، بنیان خانواده‌ها را سخت مست و متزلزل می‌سازد بلکه برای هر يك وظایف خاصی قائل شده است که عمل با آنها موجب تقویت خانواده‌ها می‌گردد .

آری اسلام زن را تحت حمایت مرد قرار داده و سرپرستی خانواده‌ها را بدست او سپرده است و از اینرو اطاعت زن را از مرد لازم دانسته است مگر اینک به برخلاف دستورهای اسلامی باشد زیرا واضح است هیچ اجتماعی نمیتواند بدون سرپرست و رئیس باشد و گرنه در وضع آن اختلال و هرج و مرج پیش می‌آید و موجب از هم پاشیدن شیرازه امور آن میگردد و اجتماع کوچک خانواده نیز از این قاعده مستثنی نبوده ، احتیاج بسرپرستی دارد که طبق وظائفی که در اسلام مقرر گردیده است خانواده‌ها را اداره و سرپرستی نماید .

از مجموع روایات وارد در باب وجوب نفقه زن بر مرد و غیر آن استفاده می‌شود که سرپرستی مرد در خانواده باین جهت است که تامین مخارج همسر و سایر افراد خانواده بعهده مرد می‌باشد یعنی بر مرد لازمست در آسایش و راحتی همسر خود و فرزندان و تامین لوازم ضروری زندگی آنان اقدام کند و همواره بر کوشش و جدیت و فعالیت خود برای تامین هر چه

بیشتر خویش و آرامش افراد خانواده بیافزاید و در مقابل آن بر زن نیز لازمست از شوهر خود اطاعت نماید و اگر از اطاعت شوهر سرپیچی کند مرد می تواند از تامین هزینه های زندگی همسر خویش خودداری نماید .

رسول اکرم (ص) فرمود : « زنی که بدون اجازه شوهر خود از منزل خارج شود تا مادامیکه بمنزل برگشته است مرد می تواند ازدادن نفقه او خودداری کند » . (۱)

اگر همسر مردی از عمل زناشوئی (در مواردیکه عمل زناشوئی جایز است) خودداری کند و حاضر به آن نگردد و تقاضای مرد را در مورد عمل زناشوئی رد کند و با اصطلاح فقهی «ناشزه» محسوب شود، باز مرد می تواند که هزینه زندگی او را نپردازد .

فقه اسلام بقدری بمساله تمکین زن در مقابل تقاضای مرد در مورد عمل زناشوئی اهمیت قائل شده است که تمکین فعلی را کافی نمی داند بلکه تصریح می کند که تمکین فعلی باید توأم با تمکین قولی و زبانی گردد و زن صریحاً بشوهر خود تمکین خود را گوشزد کند و او را در این باره مطمئن سازد .

از : شهریار

- (حق و باطل) -

بروی شاه ولایت چرا که بود خسی	شنیدم آب بجنگ اندرون معاویه بست
چرا که او کس هر بیکس است و دادرسی	علی به حمله گرفت آب و باز کرد سبیل
علی چنین هنری کرد و او چنان هوسی	سه بار دست بدست آمد آب و در هر بار
که بی حیائی دشمن ز حد گذشت بسی	فضول گفت که ارفاق تا باین حد بس
که نان و آب نبندد کسی بروی کسی	جواب داد که ما جنگ بهر آن داریم
که بی رضای الهی نمیزند نفسی	غلام همت آن قهرمان کون و مکان
بین که در پی سیمرغ میجهد مکی	توهم بیا و تماشای حق و باطل کن

۱- قال رسول الله (ص) ایما امرأة خرجت من بیتها بغیر اذن زوجها فلا نفقة لها حتی

ترجع (الوسائل باب النفقات)